Theories and criticism in Arabic literature
The Fourth Year, Number ١٤, Summer ١٤٠٣
Pp: ٣٥ - ٥٢

Research Paper

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٠٤٥,١٠٨٧

Cultural Exchange between Arabic and Persian in the Translation of Idiomatic Expressions

Fereshteh Afzali [١]

(Received: ٢٠٢٥,١٢,١٣ ,Accepted: ٢٠٢٦,٠١,٠٤)

Abstract

Idiomatic expressions encompass idioms, similes, metaphors, proverbs, and aphorisms, whose overall meaning goes beyond the sum of their individual lexical components. This characteristic makes their translation particularly challenging, as the translator must select equivalents that are compatible with the structure and culture of the target language in order to convey the message effectively. Adopting a descriptive–analytical approach, the present study examines the strategies used in translating idiomatic expressions from Arabic into Persian in contemporary narrative texts. The research corpus consists of narrative works by contemporary Arab writers, with particular emphasis on the works of Naguib Mahfouz. To this end, rhetorical shifts in the translation of idiomatic expressions are investigated in three forms, illustrated through examples drawn from Arabic narrative texts. The findings indicate that translating idiomatic expressions by employing semantically and structurally equivalent idioms is the most effective strategy, as it best preserves meaning, emotional load, style, and the metaphorical imagery of the source text. Moreover, rhetorical shifts—such as transforming a plain expression into an image-based one, or replacing an image with another—play a crucial role in reproducing the literary and cultural effect of the original text. Other strategies, including literal translation or the use of non-idiomatic expressions, show limitations in fully conveying the cultural and metaphorical load. Overall, the findings underscore that successful translation of idiomatic expressions requires linguistic competence, cultural awareness, and rhetorical sensitivity in order to maintain the impact and message of the source text in the target language.

Keywords: language; culture; translation; idiomatic expressions; translation strategies; rhetorical shift.

١.

© **The Author.** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد ١٤، صيف ١٤٠٣

صص: ٥٢ – ٣٥

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٠٤٥,١٠٨٧

داد و ستد فرهنگی زبان عربی و فارسی در ترجمهٔ تعبیرها

فرشته افضلی [١]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴,۰۹,۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴,۱۰,۱۴)

چکیده

تعبیرها دربردارندهٔ اصطلاحات، تمثیل‌ها، استعاره‌ها، ضرب‌المثل‌ها و گفته‌های قصار هستند و معنای کل آن‌ها، فراتر از مجموع معنای تک‌تک واژه‌هاست. این ویژگی، ترجمه آن‌ها را دشوار می‌سازد و مترجم ناگزیر است برای انتقال مؤثر پیام، معادل‌هایی متناسب با ساختار و فرهنگ زبان مقصد برگزیند. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی راهبردهای ترجمه تعبیرها از زبان عربی به فارسی در متون روایی معاصر پرداخته است. جامعه آماری پژوهش، آثار روایی نویسندگان معاصر عرب، به ویژه نجیب محفوظ است. به این منظور، تغییر بلاغی را در ترجمهٔ تعبیرها در سه شکل، با آوردن نمونه‌هایی از متون روایی عربی مورد کندوکاو قرار می‌دهیم. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ترجمه تعبیرها با بکارگیری تعبیر هم‌معنا و هم‌ساخت مؤثرترین راهبرد است و توانایی حفظ معنا، بار عاطفی، سبک و تصویر استعاری متن مبدأ را دارد. همچنین، تغییر بلاغی مانند تبدیل بیان ساده به تصویری یا بیان تصویری به تصویر دیگر، نقشی اساسی در بازتولید اثر ادبی و فرهنگی دارد. سایر راهبردها، مانند ترجمه واژه به واژه یا تعبیر غیراصطلاحی، در انتقال کامل بار فرهنگی و استعاری محدودیت دارند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که ترجمه موفق تعبیرها نیازمند دانش زبانی، شناخت فرهنگی و دقت بلاغی است تا تأثیر و پیام متن مبدأ در زبان مقصد حفظ شود.

واژگان کلیدی: زبان، فرهنگ، ترجمه، تعبیرها، راهبردهای ترجمه، تغییر بلاغی.

---

١. استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران، ایمیل: f.afzali@du.ac.ir (نویسنده مسئول).

© حق مولف نویسنده **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

در میان دو زبان، حتی اگر واژه‌ها در معنا یکسان باشند، ولی هر فرهنگ، راهکارها و ویژگی‌های خاص خود را در بیان و اندیشیدن به آن واژه‌ها دارد. از این روی که این واژه‌ها، در هر فرهنگ یا زبانی انباشته از معنا است و از دانش‌ها و تجربه‌ها پربار می‌شود و تا زمانی که معنا در یک زبان متفاوت باشد، طبیعی است که تفاوت زبانی آنها گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

هر زبانی، ویژگی‌های اجتماعی، روانی و ویژگی‌های صرفی و نحوی ویژه خود را داراست؛ برای نمونه ساختار همگانی «جمله» در زبان عربی (فعل+ فاعل و ادامهٔ جمله...) است، ولی این ساختار در زبان فارسی (فاعل+ فعل و ادامه جمله...) هست. این تفاوت، دشواری بسیاری را پیش روی مترجم قرار نمی‌دهد، ولی مسأله ترجمه جمله‌های مرکب کار را پیچیده می‌کند؛ به‌گونه‌ای که مترجم ناگزیر می‌شود در گزینش جمله برابر آن، بیشتر اندیشه کند (عاصی، ۲۰۰۹: ۲۲۵-۲۲۴).

یکی دیگر از پیچیدگی‌های زبان مبدأ، ترجمهٔ واژه‌هایی است که معنای آن دگرگون شده است، مانند این زبانزد عربی: واحد واحد، إثنان. در زبان فارسی به جای ترجمه واژه به واژه آن می‌توانیم بگوییم: حساب دو دو تا چهارتاست. یکی از خصوصیات برجستهٔ تعبیرهای اصطلاحی و استعاری، تأثیر شگرف و تکان‌دهنده آنهاست. به عبارت دیگر، تأثیر استعاره محض، از تشبیه غیرصریح متناظر آن و تشبیه غیرصریح از صریح و تشبیه صریح از نقل به معنا، بر شنونده و خواننده، به ترتیب بیشتر است. برای ایجاد تأثیری مشابه با زبان مبدأ، مترجم نه تنها باید مفهوم تعبیرهای استعاری را انتقال دهد، بلکه باید هر چه بیشتر در حفظ قالب استعاری مورد استفاده نیز بکوشد. به دیگر سخن، مترجم باید تصور استعاری سازنده تعبیر استعاری موردنظر خود را در ترجمه حفظ کند؛ بکارگیری چنین شیوه‌ای زمانی امکان‌پذیر است که زبان مبدأ و مقصد هر دو از تصور استعاری مشترکی سود ببرند (لارسون، ۲۰۰۸، ۱: ۵۰۰). در بسیاری از موارد، مترجمان برای برگرداندن اصطلاحات از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده می‌کنند که مفهوم و مقصود مؤلف را نمی‌رساند. افزون بر اینکه در زبان عربی و به ویژه زبان معاصر، تعابیر اصطلاحی فراوانی وجود دارد. در نتیجه یک خواننده، زمان خواندن اینگونه متن‌ها نمی‌تواند بدون اطلاع کافی از مفهوم و معادل آن در زبان مادری خود حق فهم و ترجمه مطلب را ادا نماید؛ بنابراین یک مترجم باید در ترجمه این تعابیر که همواره یکی از دشواری‌های ترجمه بوده است، به شکلی فهم‌پذیر در عرف جامعه آن را ترجمه نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲).

در مطالعات ترجمه، به ویژه هنگامی که زبان مقصد فارسی است، بهره‌گیری از اندیشهٔ صاحب‌نظران این زبان ضرورتی حتمی دارد. پژوهشگرانی مانند زرکوب با تأکید بر پیوند تنگاتنگ زبان، فرهنگ و صورت‌های بلاغی، نشان داده‌اند که تعبیرها و امثال، تنها واحدهای زبانی نیستند، بلکه بازتاب‌دهنده نظام فکری و فرهنگی جامعه زبانی‌اند. از این دیدگاه، ترجمه تعبیرها نه انتقال واژه‌ها، بلکه بازآفرینی شبکه‌ای از معناهای فرهنگی و سبکی است که باید در زبان مقصد درک‌شدنی و پذیرفتنی باشد. جامعه آماری پژوهش را **متون روایی عربی معاصر** تشکیل می‌دهد که به سبب غنای زبانی و بسامد بالای تعبیرها و اصطلاحات، بستر مناسبی برای تحلیل ترجمه به شمار می‌رود. این متون شامل آثار داستانی و روایی نویسندگان معاصر عرب، به‌ویژه آثار نجیب محفوظ است.

۱-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد **توصیفی- تحلیلی** در چارچوب مطالعات ترجمه فرهنگی و با تکیه بر رویکردهای معناگرا و نظام‌محور به ترجمهٔ تعبیرها انجام شده است. انجام شده است و تمرکز آن بر بررسی نحوهٔ ترجمهٔ تعبیرها از زبان عربی به فارسی در متون روایی است. در گام نخست، بخش‌هایی از متون روایی عربی معاصر که دربردارندهٔ تعبیرهای اصطلاحی بودند، به دقت بررسی و استخراج می‌شوند. در گام دوم، تعبیرهای شناسایی شده با تکیه بر تعریف تعبیرهای اصطلاحی و تصویری، از واحدهای صرفاً واژگانی یا جمله‌های عادی تفکیک می‌شوند و در گام چهارم، بر اساس نوع تغییر بلاغی، راهبرد ترجمهٔ به کار رفته برای هر تعبیر تعیین می‌گردد.

۱-۲. پرسش پژوهش

۱. کدام راهکارها در ترجمه تعبیرها از زبان عربی به فارسی کارآمدتر است؟

۱-۳. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌هایی که در زمینهٔ تعبیرها انجام‌گرفته است:

۱. خلیل قاضی‌زاده و آزاده نجفی (۱۳۸۸) در مقاله «تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی از نظر معنایی و واژگانی» جامعه آماری برابر ۵۰۰ ضرب‌المثل را گزینش کرده و نقاط مشترکی که در ضرب‌المثل‌های دو جامعه زبانی فارسی و انگلیسی دیده می‌شود، به تطابق‌های معنایی ربط داده‌اند.
۲. زهره قربانی مادوانی (۱۳۹۸) در مقالهٔ «بررسی ترجمهٔ ماجده عنانی از «نون و القلم» جلال آل‌احمد بر اساس نظریهٔ تعادل اصطلاحی بیکر» برگردان عربی این اثر را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که مترجم به رویکرد حفظ معنا و تغییر صورت بیشتر تمایل دارد.
۳. منصوره زرکوب و زهرا عبداللهی (۱۳۸۹) در مقالهٔ «تمثیل در امثال فارسی و عربی» به معادل‌یابی امثال فارسی و عربی پرداخته‌اند.
۴. بهمن گرجیان و هدی نیسی (۱۳۹۰) در مقاله «ترجمه تطبیقی ضرب‌المثل‌های انگلیسی به فارسی از لحاظ زبان‌شناسی» با ارائه طرح سه نسخه‌ای به دنبال راه حلی کاربردی برای ترجمه ضرب‌المثل‌های انگلیسی به فارسی با دست‌کم افت از لحاظ ساختاری، معنایی و مفهومی بوده‌اند.
۵. منصوره زرکوب و فرهاد امینی (۱۳۹۳) در مقالهٔ «تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)» بیست و یک ضرب‌المثل را از نظر مطابقت‌های واژگانی، معنایی و سبکی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲. چارچوب نظری

از آنجا که تعبیرها، اصطلاحات و امثال زبانی، عناصری فرهنگ‌محور و هویت‌ساز بشمار می‌روند، بررسی ترجمهٔ آن‌ها نیازمند بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که ترجمه را فراتر از انتقال صرف واژگان و در پیوند با نظام ادبی و فرهنگی زبان مقصد تحلیل می‌کنند. نخستین مبنای نظری این پژوهش، نظریهٔ **نظام‌های چندگانه است که** توسط اِون‌ـزُهَر مطرح شده است. بر اساس این نظریه، ادبیات هر زبان از نظام‌های درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده است که در آن‌ها ترجمه می‌تواند جایگاهی مرکزی یا حاشیه‌ای داشته باشد. اِون‌ـزُهَر نشان می‌دهد که در نظام‌های ادبی نوپا یا کم‌قدرت، ترجمه، بیشتر به مرکز نظام راه می‌یابد و در شکل‌گیری هنجارهای زبانی و سبکی نقش فعالی بازی می‌کند (اون زهر، ۱۹۹۰: ۴۶–۴۸).

این دیدگاه امکان آن را فراهم می‌سازد که گزینش‌های مترجم در ترجمهٔ تعبیرها نه چون تصمیم‌هایی فردی، بلکه چون کنشی نظام‌مند در چارچوب ادبیات زبان مقصد تحلیل شود. در ادامهٔ این رویکرد، ماندی با تفسیر و گسترش نظریهٔ نظام‌های چندگانه تأکید می‌کند که ترجمه‌های ادبی، به ویژه در تعامل میان فرهنگ‌های نابرابر، می‌تواند به انتقال الگوهای بلاغی، سبکی و تصویری سبب شود و از این رهگذر، خلأهای موجود در نظام ادبی مقصد را جبران کند (ماندی، ۲۰۱۶: ۲۲۸–۲۳۰). این نکته در ترجمهٔ تعبیرها اهمیتی دو چندان دارد؛ زیرا تعبیرها یکی از بارزترین نمودهای تفاوت‌های فرهنگی و بلاغی میان زبان‌ها هستند.

بر اساس دیدگاه لارسون، هدف ترجمه انتقال معناست، نه بازتولید صورت زبانی و دربارهٔ تعبیرهای استعاری، مترجم باید در صورت امکان، تصویر استعاری متن مبدأ را در زبان مقصد حفظ یا بازآفرینی کند (لارسون، ۱۹۸۴: ۲۴۵–۲۴۷). در کنار این رویکردها، نظریات پژوهشگران زبان فارسی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در چارچوب نظری پژوهش دارد. زرکوب با تأکید بر پیوند ناگسستنی تعبیرها با فرهنگ و سبک، بر این باور است که در ترجمهٔ امثال و تعبیرها، همسانی معنایی به تنهایی کافی نیست و معادل گزینش شده باید از نظر فرهنگی و سبکی برای مخاطب زبان مقصد پذیرفتنی باشد (زرکوب و امینی، ۱۳۹۳: ۵۲—۵۴). این دیدگاه، چارچوبی فارسی‌محور برای ارزیابی کارآمدی راهبردهای ترجمه تعبیرها فراهم می‌آورد. بر این پایه، چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی است از نظریهٔ نظام‌های چندگانه، رویکرد معناگرای ترجمه و دیدگاه‌های زبان‌محور پژوهشگران فارسی‌زبان. این چارچوب این امکان را می‌دهد که راهبردهای ترجمهٔ تعبیرها از عربی به فارسی نه تنها از دیدگاه معنایی، بلکه با توجه به جایگاه ترجمه در نظام ادبی مقصد، ویژگی‌های فرهنگی و تأثیر بلاغی آن‌ها تحلیل شود.

۲–۱. تعبیرها

«تعبیر» به واحد زبانی گفته می‌شود که از ترکیب دو یا چند واژه شکل می‌گیرد و معنای به دست آمده از آن، برابر با مجموع معنای اجزای سازنده‌اش نیست؛ بلکه معنایی فراتر، مجازی یا کنایی را منتقل می‌کند (لارسون، ۲۰۰۸، ۱: ۲۴۵—۲۴۷). تعبیرها می‌توانند در قالب اصطلاحات، کنایه‌ها، استعاره‌ها، تمثیل‌ها، ضرب‌المثل‌ها و گفته‌های قصار نمود یابند و غالباً واجد بار فرهنگی، بلاغی و عاطفی‌اند (سوزنی، ۱۳۸۹: ۴۹—۵۰).

از دیدگاه مطالعات ترجمه، تعبیرها واحدهایی فرهنگ‌محور به‌شمار می‌روند که ترجمهٔ آن‌ها صرفاً با جایگزینی واژه‌ها انجام نمی‌گیرد، بلکه مستلزم بازآفرینی معنا و اثر در زبان مقصد است؛ از این رو، انتخاب معادل مناسب برای تعبیرها یکی از چالش برانگیزترین مراحل فرایند ترجمه به شمار می‌رود (بیکر، ۱۳۹۳: ۷۹—۸۰). افزون بر این، زرکوب و امینی با تأکید بر پیوند تعبیرها

با نظام سبکی و فرهنگی زبان مقصد بر این باورند که همسانی محض معنایی در ترجمهٔ تعبیرها کافی نیست و معادل برگزیده باید از نظر فرهنگی و سبکی برای مخاطب فارسی‌زبان پذیرفتنی باشد (زرکوب و امینی، ۱۳۹۳: ۵۲–۵۴).

واحد معناداری که از ترکیب یک یا چند عنصر زبانی ساخته شده و معنای واحدی را برساند، ترکیب‌های اصطلاحی نامیده می‌گردد. اصطلاحات و امثال و تعبیرهای هر زبان، به آن دسته از عبارت‌هایی گفته می‌شود که در ظاهر در قالب کلامی کوتاه، موزون و دلنشین بیان می‌شود، ولی مفهوم وسیعی را در برمی‌گیرد که معمولاً بازتاب‌دهندهٔ قریحه و ویژگی‌های اخلاقی و طرز تفکر اهل آن زبان است و نکته‌سنجی، شوخ‌طبعی و ظرافت اندیشه آنها را به نمایش می‌گذارد. وجود چنین عبارت‌هایی در کلام نویسنده موجب می‌شود که متن او از خشکی بیرون آید و سخنش راحت‌تر بر دل خواننده بنشیند (کمالی، ۱۳۸۷: ۷۷) و درباره تأثیر آن گفته شده است: اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها نه تنها ناقل اطلاعات‌اند، بلکه در برانگیختن احساسات، ادراک زیبایی و یادآوری زمینه‌های تاریخی و فرهنگی نیز به گونهٔ شایسته‌ای مؤثرند. در واقع، سخنی که با به کاربردن اصطلاح بیان شود، بر خواننده تأثیر بیشتری می‌گذارد. بکارگیری اصطلاحات در زبان واجب می‌شود انسان به جامعه، فرهنگ، زبان و میراث فرهنگی زبان‌ها تعلق‌خاطر بیشتری احساس کند (سوزنی، ۱۳۸۹: ۴۹).

برخی، اصطلاحات را گفتار قالبی و کلیشه‌های زبانی یا ساخت‌های زبانی می‌دانند که در شرایط ویژه و محدود اجتماعی به کار می‌رود (زمان زاده،۱۳۹۷: ۲۷۲). در زبان‌شناسی نوین توجه به بررسی معنا تنها به بررسی واژه‌ها و تحلیل معنای لغوی آنها محدود نمی‌شود؛ بلکه بررسی معنای واژه در ساخت ترکیبی آن را نیز در بر می‌گیرد که نمونه آن همان تعبیرهای اصطلاحی است (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶). این تعبیرها در بیان روشن و دقیق معنا اهمیت بسیار دارند؛ زیرا به وسیله آنها ارتباطی زبانی، با کمترین الفاظ به دور از پیچیدگی و نامفهومی برقرار می‌گردد، نیز این تعبیرها با توان بسیاری که در بیان مفاهیم مختلف دارند به زبان، غنا می‌بخشند.

۲-۲. ترجمهٔ تعبیرها

یکی از اصول مهمی که در هر ترجمه دارای اهمیت است، گزینش معادل‌های دقیق در برگردان پیام از مبدأ به مقصد است (هاوس،۲۰۰۱:۲۴۷). هاوس بر این باور است که نخستین مشکلی که مترجم در ترجمه واژه و اصطلاحات با آن رو به رو است، توانایی شناخت و درک این موضوع است.

هر زبانی، شیوه ویژهٔ خود را در بیان معنا از راه مجموعه‌های واژگانی (واژه‌ها، عبارت‌ها و...) دارد. از این روی عبارت‌های اصطلاحی، تعبیرهای مجازی هستند که همه زبان‌ها با آن آشنا هستند. برای نمونه اصطلاح «أوتي قلباً قاسياً» یعنی به نیازهای دیگران توجه نمی‌کند (سنگدل). ولی همین اصطلاح در برخی از زبان‌ها، به معنای «شجاع» است (لارسون، ۲۰۰۸، ۱: ۲۴۶) و یا تعبیر عربی «كأنَّ على رأسه الطَّير»: ترجمهٔ واژه به واژه این عبارت در چارچوب این جمله فارسی «گویا بر سر او پرنده است» معنای روشنی در زبان فارسی ندارد و هرگز معنایی را که یک عرب‌زبان از آن تعبیر عربی می‌فهمد، نمی‌رساند. همانگونه که زرکوب (۱۳۸۹: ۷)

تأکید می‌کند، در برگردان تعبیرها به فارسی، صرف همسانی معنایی بسنده نیست، بلکه معادل انتخاب شده باید از نظر سبکی، عاطفی و فرهنگی نیز با بافت زبان مقصد هماهنگ باشد. بر این پایه، راهبردهایی که امکان جایگزینی تعبیرهای فارسیِ جا افتاده و فرهنگ‌پذیر را فراهم می‌کند، در مقایسه با ترجمه‌های واژه به واژه، کارآمدتر ارزیابی می‌شود. ممکن است یک اصطلاح در زبان مبدأ دارای معنای بسیار نزدیکی در زبان مقصد باشد که در این صورت شبیه به اصطلاح زبان مبدأ می‌شود؛ اما معنای کاملاً متفاوتی دارد؛ بنابراین به جز داشتن دانش چگونگی بکارگیری ویژگی‌های خاص اصطلاحات توسط نویسنده که می‌تواند باعث سردرگمی مترجم از راه شباهت بین عبارات زبان مبدأ و مقصد شود، مترجم باید محیط و بافتی را در نظر بگیرد که سبب می‌شود آن عبارت از نظر لفظی معنا ندهد (بیکر،۱۳۹۳:۷۹–۸۳). مترجمان در ترجمه یک اثر، اغلب به دنبال تولید ترجمه‌هایی هستند که برای مخاطبان بسیار روشن و قابل درک باشد؛ زیرا روان بودن یک متن باعث جذب افراد می‌گردد و آنها را به خواندن متون علاقه‌مند می‌کند. اما برای این کار نیاز به شیوه‌های خاصی است که استفاده از آنها نقص‌های یک متن ترجمه شده را برطرف می‌کند و متن را به وضع ایده‌آل می‌رساند.

زمانی که فرایند ترجمه با رویکرد بومی‌سازی همراه می‌شود، برجستگی ارزش‌های فرهنگی بیگانه در متن کاهش یافته و متن ترجمه شده بیش از پیش با هنجارهای فرهنگی زبان مقصد همسو می‌گردد؛ فرایندی که ونوتی آن را بخشی از باز توزیع سرمایه فرهنگی در ترجمه می‌داند (ونوتی، ۱۹۹۵: ۱۷). حاتم و میسون در ترجمه اصطلاحات استعاری چون ضرب‌المثل‌ها، نظریه معادل‌یابی یک به یک یا ترجمه واژه به واژه را شکست خورده می‌دانند؛ زیرا معانی ضرب‌المثل‌ها در دو زبان مبدأ و مقصد دارای معانی ضمنی غیرمستقیم و غیرنمادین است. اگر چه مترجمان در معادل‌یابی ضرب‌المثلی ممکن است در دو زبان شباهت‌های واژه‌ای بیابند (گرجیان؛ نیسی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). مشکلات معادل‌یابی ضرب‌المثل به درک مترجمان از ساختار و محتوای زبان مبدأ در ترجمه عبارات استعاری اشاره دارد که به مشکلات اساسی در ترجمه تبدیل می‌شود. اما افزون بر این مسائل، مشکلات فرهنگی بسیار، بیشتر از مشکلات ساختاری ضرب‌المثل‌هاست؛ زیرا آنها ریشه در مفاهیم فرهنگی یک ملت دارند و به اصطلاح فرهنگ‌محور هستند (همان،۱۲۰). داف اشاره می‌کند که عبارات اصطلاحی بسیار اندک ترجمه‌پذیر و شامل اصطلاحات، تمثیل‌ها، استعاره‌ها، ضرب‌المثل‌ها و گفته‌های قصار هستند. او همچنین اشاره می‌کند که اگر این عبارات هیچ معادلی در زبان مقصد نداشته باشند، مترجم ممکن است معادل آنها را به این شرح ارائه دهد:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی؛ ۲. استفاده از واژه اصلی و توضیح آن در گیومه؛ ۳. دادن معادل‌های نزدیک در زبان مقصد؛ ۴. ترجمه ضرب‌المثل (همان، ۱۲۲). به همین روی، جنبه‌های گوناگون معنایی اصطلاحات را می‌توانیم به ۴ بخش دسته‌بندی کنیم:

معنای مجازی یا استعاری و معنای واژه به واژه: گرچه مفهوم برخی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، در مواردی اندک ممکن است به‌صورت تحت‌اللفظی فهمیدنی به نظر برسد، در بیشتر موارد، علت وجودی هر اصطلاح می‌تواند، معنا و مفهوم مجازی یا استعاری آن باشد؛ به طوری که اگر از کسی معنای اصطلاحی را بپرسند، معمولاً تلاش می‌کند همین مفهوم مجازی یا استعاری را که جزء اصلی معنای کلی است، بیان کند؛ برای نمونه اصطلاح «رأسي قوية» به لجوج و یک‌دنده‌ام و نه سرم قوی است برگردان می‌شود.

ویژگی‌های عاطفی: این ویژگی‌ها از مهم‌ترین خصوصیات اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها به شمار می‌روند. اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، از نظر ویژگی‌های عاطفی می‌توانند مثبت، منفی یا خنثی باشند. در حالیکه اصطلاح «ضرب العصفورين بحجر واحد» می‌تواند نشان‌دهنده کاری سودمند و مثبت باشد، اصطلاح "أكلت بفجوة سنّک" "در نبود تو خوردم" بیانگر بیانی خنثی و اصطلاح "مقتل الرجل بين فكّيه": "زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد"، نمایانگر کاری ناپسند است.

ویژگی‌های سبکی: اصطلاحات، از نظر سبک نیز متفاوت‌اند. برخی از اصطلاحات، صورت رسمی و لفظ قلم دارند و برخی دیگر محاوره‌ای یا عامیانه‌اند؛ برای نمونه اصطلاحاتی چون «به سرای باقی شتافتن و تصدیع خاطر کسی را فراهم‌کردن»، اصطلاحاتی رسمی در زبان، به شمار می‌روند و اصطلاحاتی چون «موی دماغ شدن» در زبان عامیانه به کار می‌روند.

– وقفت على رؤوسهم الطير/ سمّروا في أماكنهم/ تجمدت أوصالهم: جیک آنها در نیامد (تعبیر عامیانه).

رنگ و بوی ملی یا قومی: کلمات و واژگان بکار رفته در یک اصطلاح یا ضرب‌المثل، ممکن است رنگ و بوی ملی یا قومی داشته باشد (سوزنی، ۱۳۸۹: ۵۱–۵۰).

یکی از تغییراتی که در ترجمه زبانزد، تعبیرها و کنایه‌ها و عبارت‌های آمیخته با تصویر می‌توان پیاده کرد، تغییر بلاغی است. «تغییر بلاغی به معنای تلاش برای بازآفرینی وفادارانه متن اصلی در زبان مقصد با استفاده از آرایه‌های متفاوت است، تا تأثیر مشابه تأثیر متن اصلی را در خواننده ترجمه ایجاد کند. ایجاد این تعدیل و تغییر، نه تنها در فرایند ارائه پیام و معنا اشکالی وارد نمی‌کند، بلکه می‌تواند سبب برجستگی و نمود بیشتر معنا و پیام شود. در این نوع از تعدیل، بیان ساده به بیان تصویری اعم از مجازی، استعاری و کنایی و نیز عکس آن و ترجمه واژه‌ای خاص به واژه عام یا برعکس تبدیل می‌شود» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۷۰–۱۷۱). برخی از نمونه‌های تغییر جمله با تغییر بلاغی را می‌توان به «بیان ساده و تصویری» اشاره کرد:

الف. بیان ساده به تصویر بلاغی: یعنی تغییر یک جمله ساده به جمله اصطلاحی:

۱. جحد جمیله: زیبای او را انکار کرد (ناسپاسی کرد)؛ جمله ساده: نمک خورد و نمکدان را شکست: جمله تصویری.
۲. أبغض من الشيب إلى الغواني: منفورتر از پیر، برای زنان زیباروی و خنیاگر؛ جمله ساده: زن جوان را تیری به پهلو به که پیری (تصویری).
۳. جرحي بسيط، لكنه خسر أنفه فيما أعتقد (محفوظ، ۱۹۹۱: ۲۵۳): زخم من جدی نیست، ولی فکر کنم او پوزه‌اش به خاک مالیده شد.
۴. إذا جاوزت حدّک، فستجدني شخصاً آخر لايعرف الرحمة (همان، ۵۲:۱۹۹۴): هرگاه پایت را از گلیمت درازتر کنی، آن روی سگم بالا می‌آید و رحم و مروت سرم نمی‌شود.
۵. لقد جرّبنا الارتجال؟! (همان، ۷۱): تو می‌گویی بی‌گدار، به آب زدیم؟!
۶. أرهفت الحواس (همان، ۶۲): شش‌دانگ حواس‌جمع شد.

ب. بیان تصویری به تصویری: یعنی تغییر یک جمله اصطلاحی به جمله اصطلاحی دیگر که بهترین نوع بیان در تعبیرهاست:

۱. صرّح المخضُ عن الزبد: شیر یا مایع ناب از کف جدا شد: ماه، پشت ابر پنهان نمی‌ماند.
۲. کلّ کلب ببابه نبّاح: هر سگی در خانه‌اش، واق واق می‌کند: سگ در خانه صاحبش شیر است.
۳. کلّفَه مخَّ البعوضة: از او مغز پشه خواست: او را سر کار گذاشت: او را پی نخود سیاه فرستاد.
۴. سوف تعود المیاه إلی مجاریها (محفوظ، ۱۹۷۴: ۲۳۲): آب‌ها به جوی‌ها برمی‌گردد: آب‌ها به آسیاب برمی‌گردد.
۵. إنه قادر علی أن یخطف الکُحلَ مِن العین (محفوظ، ۱۹۹۴: ۲۸) او می‌تواند سرمه را از چشم برباید: این شاه دزد در یک چشم به هم زدن پشه را نعل می‌زند: دزد حرفه‌ای است.
۶. أصبح ریشة في مهب الریح: پری در گذرگاه باد شد: نیست و نابود شد.
۷. إن کان حبیبُک عسل ما تلحسوش کلّه (همان، ۲۶۰): در دیزی بازه، حیای گربه کجاست.
۸. کانت تقدّم الرجل و تؤخر رجلاً (همان، ۶۷): پا می‌گذاشت و پس می‌کشید: این پا و آن پا می‌کرد.
۹. ترجع بالسلامة، توتة توتة فرغت الحدوتة (همان، ۱۵): می‌روی، به سلامت برمی‌گردی و قصه به سر می‌رسد: قصه ما به سررسید کلاغه به خانه‌اش نرسید. (توتة: همان میوه توت در زبان فارسی است و الحدوتة به معنای حکایت است. این اصطلاح، یک زبانزد پرآوازه مصری است که در پایان قصه کودکانه می‌آید، و تقریباً برابر اصطلاح "قصه ما به سررسید کلاغه به خانه‌اش نرسید" می‌باشد).

ت. بیان تصویری به ساده: یعنی تغییر یک جمله اصطلاحی به جمله ساده:

۱. خُتمَ علی قلبه: بر دلش مهرزده شد: قدرت درک و فهم ندارد.
۲. نکّس أعلامه: پرچم‌هایش را شکست: کوتاه آمد.
۳. ما علی الرسول إلا البلاغ (همان، ۶۵): فرستاده، تنها وظیفه خبررسانی دارد: مأمورم و معذور، تنها آنچه را که شنیده‌ام می‌گویم.

۲-۳. راهبردهای ترجمهٔ تعبیرها

گفته می‌شود برخی از تعبیرها همچون اصطلاحات پنج جنبهٔ مختلف معنایی دارند: معنای مجازی، معنای تحت‌اللفظی، ویژگی‌های عاطفی، خصوصیات سبکی، رنگ و بوی ملی و قومی که هر یک در انتخاب معادل مناسب قیودی را بر مترجم واجب می‌نمایند (تجلی، ۱۳۶۸: ۱۰۵) و مترجم باید این ویژگی‌ها را مورد توجه قرار دهد؛ برای نمونه: لاتُرني وجهك مرة أخری.

(ترجمهٔ تحت‌اللفظی): «دیگر صورتت را به من نشان نده» (نیازی، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

(ترجمهٔ درست): «برو نمی‌خوام تو را ببینم؛ و با لحن بی‌ادبانه: از جلو چشم‌هایم دور شو! یا برو گمشو!»

و حال، چگونه می‌توان به معنای تعبیرهای استعاری پی برد؟ برخی از تعبیرهای اصطلاحی را می‌توان از معنای واژه‌های آن فهمید، در این حالت اگر مترجم، یقین داشته باشد که خواننده به معنای موردنظر پی می‌برد، می‌تواند جمله را همانگونه که هست و یا با معنای اصطلاحی ترجمه کند. ولی برخی از تعبیرها، از معنای واژه‌های آن فهمیده نمی‌شود (نجیب، ۲۰۰۵: ۴۰). برای نمونه "آخر صیحة" به معنای واپسین فریاد و یا "غسل الأقمشة القذرة" را می‌توان به شستن جامه‌های کثیف و یا رسوایی به پا کردن،

ترجمه کرد. ولی برخی از تعبیرهایی که از معنای واژه‌های آن فهمیده نمی‌شود، مانند: "يرفس الدلو" به معنای لگد زدن به ظرف، ولی معنای اصطلاحی آن «مردن و یا فوت شدن» است. همچنین تعبیر اصطلاحی "شظية على كتفه" به معنای داشتن یک مهره (ریزه) بر روی شانه‌اش نیست، بلکه به معنای تعبیر عامیانه «على رأسه بطحة: یک زخم بر روی سر دارد» است. یعنی یک نقطه ضعف دارد و برای پنهان‌کردن آن، همواره آماده درگیری و بگو و مگو است.

بنابراین، نخستین کاری که در ترجمه یکی از تعبیرها باید انجام داد، جستجوی تعبیر برابر در زبان دیگر است. اگر نتوانستیم برابر بیابیم، باید آن تعبیر را به گونه عادی ترجمه کنیم و همه معانی موجود در آن را روشن‌کنیم. اگر ترجمه اینگونه تعبیرها به گونه مستقیم وجود نداشت، دو راه پیش‌رو داریم:

نخست: همان واژه اصلی را پس از قراردادن در گیومه «ـــــــــــــــــــــــــــ» نگه می‌داریم. و دوم: همان تعبیر اصلی را با ترجمه حرفی آن در داخل پرانتز قرار می‌دهیم. (اصطلاح ـــــــــــــــــــــــــــ: ترجمه حرفی) (یوسف،۲۰۰۶: ۱۶۰).

به طور کلی اگر بخواهیم ترجمه اصطلاحات را در سطح گسترده‌تری بررسی کنیم، می‌توانیم اینگونه دسته‌بندی کنیم:

۲-۳-۱. به کار بردن یک تعبیر با همان معنا و ساختار

ممکن است مترجم در ترجمه خود تعبیری در زبان مقصد به کار ببرد که کاربرد مجازی همانند در زبان مبدأ دارد. یعنی هر دو اصطلاح در دو زبان، دارای یک صورت خیال هستند و ویژگی‌های عاطفی، خصوصیات سبکی و رنگ و بوی ملی را نیز به همراه دارند. در حقیقت یک اصطلاح می‌تواند در زبان مبدأ به کار برده شود که هر دو معنای تحت‌اللفظی و اصطلاحی هم زمان مدنظر باشد (بیکر، ۸۴:۱۳۹۳). این راهبرد شامل عبارتی در زبان مقصد است که تقریباً همان معنای اصطلاح یا واژه زبان مبدأ را می‌رساند، برای نمونه:

۱. يد واحدة لاتصفّق: یک دست صدا ندارد.
۲. دموع التماسيح: اشک تمساح ریختن
۳. صفر اليد: دست خالی
۴. يوم من الأيام: روز و روزگاری بود.
۵. يقدّم رجلاً و يؤخر أخرى: با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد.

۲-۳-۲. به کار بردن یک تعبیر با همان معنا ولی نه با ساختار یکسان

ممکن است بتوان تعبیری را به تعبیر دیگری در زبان مقصد برگرداند که همان معنای مجازی را داشته باشد و معنای عاطفی و خصوصیات سبکی آن نیز حفظ شود، ولی بر صورت خیالی و یا معنای واژه به واژه متفاوتی استوار شده باشد؛ مانند:

۱. إعمل الخير و ارمه في البحر: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز.
۲. كلّ ما هو آت، آت: رفتنی می‌رود و آمدنی می‌آید.
۳. توتة توتة فرّغت الحدوتة: قصه ما به سر رسید.

۴. لا تری العین عیباً، إذا أحبّ القلب قلباً: لیلی را به چشم مجنون دیدن: علف باید به دهن بزی شیرین بیاید.

۲-۳-۳. به کار بردن همان تعبیر با ساخت و شکل یکنواخت

ممکن است تعبیری را با همان ساخت و صورت، از زبانی به زبان دیگر (ترجمه واژه به واژه) برگردان کرد، بدان سبب که برای این اصطلاح در زبان مقصد، برابری که به گونه مستقیم، معنای مجازی موردنیاز را برساند، وجود ندارد و یا آن اصطلاح در زبان مبدأ ناشایست به نظر برسد.

۲-۳-۴. به کار بردن تعبیر غیراصطلاحی

ممکن است مترجم، اصطلاحی را به تعبیر و عبارتی غیراصطلاحی ترجمه کند که معنای مجازی موردنظر، با حفظ عناصر اصلی معنایی اصطلاح، روشنگری شده باشد (تجلی، ۱۹۹۷: ۹). بنابراین معمولاً بهترین روش ترجمهٔ اصطلاح این است که آن را به اصطلاحی همانند در زبان مقصد ترجمه کنیم. در برابریابی اصطلاحات از زبان مبدأ به زبان مقصد، نکاتی ضروری می‌رسد، مثلاً:

نخستین گام، در ترجمه، آن است که مترجم تعبیرهای مشابه را در دو زبان جستجو کند و در برابر هم قرار دهد؛ هر چند در بسیاری موارد، ممکن است تعداد این تعبیرها محدود باشد:

۵. أطفال الأنابیب: بچه‌های آزمایشگاهی

۶. قُدّک سیوره من أدیمک: سر و ته یک کرباسند.

۷. لیس القوادم کالخوافي: خدا پنج انگشت را مانند هم نیافریده است.

۸. کُلّک وجه: گل پشت و رو ندارد.

۹. لا کرامة لنبي في وطنه: مرغ همسایه غاز است (الحکیم، ۱۹۹۵: ۶۰).

۱۰. الشاة المذبوحة لاتتألم السلخ: از سلامت چه غم خورد سعدی مرده از نیشتر مترسانش.

۱۱. هذا الکعکُ من ذاک العجین: همه آنها از یک قماشند، سر و ته یک کرباسند.

۱۲. فرَبَتَ علیّ بکفه قائلاً: من یزرع خیراً یحصد خیراً، و من یزرع..... (همان، ۹۴): با دستش آرام بر من زد و گفت: هر چه بکاری تو، همان بدروی: گندم از گندم بروید، جو ز جو....

۱۳. یکفیک مما لا تری ما قد تری: به هر کجا روی آسمان همین رنگ است.

۱۴. جرح اللسان أصعب من جرح السنان: آنچه زخم زبان کند با من زخم شمشیر جان‌ستان نکند.

۱۵. لاتقعن في البحر إلا سابحاً: در آب میفت، مگر اینکه شناور باشی ⇦ بی‌گدار به آب نزن.

۱۶. یداک أوکتا و فوک نفخ: شنیدم که می‌گفت و خون می‌گریست که ای نفس، خود کرده را تدبیر نیست.

۱۷. کالمستجیر من الرمضاء بالنار: کردم از باران حذر، در ناودان آویختم.

۱۸. لبس له جلد النمر: چنگ و دندان نشان داد.

۱۹. کلّفتني مخّ البعوض: مرا دست به سر کرد⇦ مرا پی نخود سیاه فرستاد.

۲۰. لين الكلام، قيد القلوب: به نرمی برآید ز سوراخ، مار.

۲۱. عند الامتحان يُكرم المرء أو يُهان: به کُشتی پدید آید از مرد، مرد.

۲۲. الفائت لايستدرک: آب رفته به جوی نیاید.

۲۳. لا يشبع عيون الناس إلا التراب: چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پُر کند یا خاک گور

۲۴. تقتل القنفذ الباكي في دمي: بختکی را که به جانم افتاد، نابود می‌کند.

۲۵. الحقد زرع أزهاره في قلوبهم: بذر کینه را در دلهای خود کاشتند.

۲۶. الحرّ تكفيه الإشارة: بس است اینکه گفتمت کافزون نخواهد چو تازی بود اسب یک تازیانه

هرگاه مترجم نتواند در زبان مقصد، معادل دقیقی برای اصطلاحی خاص بیابد، باید آن اصطلاح، در جستجوی عبارتی معین و مشابه با همان معنای مجازی، ولی با معنای تحت‌اللفظی متفاوت باشد. اغلب معانی مجازی مشابه از همایندی واژه‌های متفاوت در دو زبان به دست می‌آیند.

گاهی ممکن است در زبان مقصد، اصطلاح معادلی وجود نداشته باشد، یا اگر هم وجود داشته باشد، به علت داشتن تلویحات نامطلوب پذیرفتنی نباشد. در اینگونه موارد، مترجم می‌تواند با توجه به الگوی معنایی اصطلاح در زبان مبدأ به آفرینش اصطلاحی مبدل اقدام کند و با صرف خلاقیت و سلیقه به ابداع شبه اصطلاح تازه‌ای در زبان مقصد روی آورد. مترجم، باید بخاطر داشته باشد که فقط برای آن دسته از اصطلاحات می‌توان بر مبنای صورت اصلی شبیه‌سازی کرد که معنای اصطلاح به دست آمده، نسبتاً روشن باشد، به نحوی‌که خواننده آن در زبان مقصد بتواند معنای مجازی موردنظر را به آسانی دریابد.

۱. رأسي قوية: لجوج و یکدنده‌ام

۲. سأفعله برأسي: آنگونه که باید انجام می‌دهم

۳. أذنه عفنة: عشوه‌گر فاسد

۴. عيني ليست مسددّة عليک: تو را به یاد نمی‌آورم

۵. لقد دفنت عيني: آماده رفتن هستم

۶. كبده حلوة: خوش‌بخت است.

۷. ليلتک زرقاء: ليلتک مليئة بالنجوم المضيئة ⇦ شبت پر ستاره.

۸. سأشدّ جفنک: از تو می‌خواهم به من توجه کنی

۹. عيني عليک شديدة: تو را به یاد می‌آورم

۱۰. أكلت بفجوة سنّک: در نبود تو خوردم

۱۱. كبده جيّدة: بخشنده است

۱۲. آخر العنقود: ته تغاری.

و نیز تعبیرهای اصطلاحی دیگری مانند:

۱. یمرّر القبعة: پول هنگفتی گرد می‌آورد.
۲. یتسلّق السُلّم: به جایگاه والایی می‌رسد.
۳. یقرأ ما بین السطور: بیشتر از آنچه می‌گویند، می‌داند.
۴. یتقلّب علی عقبیه: یک‌دندگی و سرکشی می‌کند.
۵. فاز باللذات من کان جسوراً: انسان دلیر از همنشینی آرام و خوشایندی برخوردار می‌شود.

برخی از اصطلاحات نیز به گونه‌ای است که ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها، بی‌معنا نیست؛ ولی مترجم باید کشف کند که این معنی ربطی به موضوع متن دارد یا نه. اگر ربطی به موضوع ندارد، پس اصطلاحی در کار است که باید کشف شود (صلح‌جو، ۱۳۸۴: ۷۰).

أأنت تفکّر أنني ولدت أمس حقاً؟

(ترجمه): «تو واقعاً فکر می‌کنی من دیروز به دنیا آمدم؟ (تو خیال می‌کنی من هالویم؟⇦ هیچی بارم نیست⇦ هیچی حالیم نیست)».

روشن است که با توضیح و تفسیر تعبیرها نمی‌توان چنانکه باید و شاید برابر مناسبی، از ساخت معنایی اصطلاح زبان مبدأ به دست داد. در حقیقت با این روش، اصطلاح عملاً ترجمه نشده، زیرا از هیچ عبارت مجازی همانند زبان مبدأ بهره گرفته نمی‌شود. از این نظر است که مترجم در صورت نبودن راهی دیگر معمولاً به عنوان واپسین راه چاره به این روش پناه می‌برد (سوزنی، ۱۳۸۹: ۵۳).

۳. نتیجه‌گیری

- در هر زبان، تعبیرهای نامفهوم برای زبان مقصد یافت می‌شود؛ این تعبیرها تعبیرهایی هستند که معنای به دست آمده از همه واژه‌های آنها، از معنای تک‌تک واژه‌هایی که این تعبیرها را تشکیل می‌دهد متفاوت است. به همین روی مترجم ناگزیر است در ترجمه اینگونه تعبیرهای اصطلاحی که دست‌کم از دو یا چند واژه ترکیب می‌شود، برابرهایی را برقرار کند. زیرا ترجمه واژه به واژه این تعبیرهای اصطلاحی به زبانی دیگر، ممکن است بی‌معنا باشد. برخی از تعبیرها در زبان مقصد وجود دارد؛ ولی به شکل متفاوت به‌کار رفته است، ولی برخی دیگر در زبان مقصد وجود ندارد و به فرهنگ و بافت زبان مبدأ تعلق دارد؛ در این حالت مترجم باید به معنای کنایی آن توجه کند. برخی دیگر از اصطلاحات نیز مشترک میان زبان مبدأ و مقصد است که مترجم باید با حفظ صورت و معنای زبان مبدأ آن را ترجمه کند؛ از این روی ترجمه واژه به واژه تعبیرهای اصطلاحی به زبانی دیگر، ممکن است بی‌معنا باشد.
- نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ترجمه تعبیرها از عربی به فارسی، توجه به دیدگاه‌های نظری زبان مقصد نقشی تعیین‌کننده دارد. بهره‌گیری از نظریات پژوهشگران زبان فارسی، به ویژه در حوزه تعبیرها و امثال، سبب می‌شود ترجمه از سطح برگردان زبانی فراتر رفته و به سطح بازآفرینی فرهنگی ارتقا یابد.
- بررسی ترجمۀ تعبیرها نشان می‌دهد که کارآمدی ترجمه‌ها را نمی‌توان تنها بر پایۀ نوع راهبرد به کار رفته سنجید، بلکه ارزیابی آن‌ها نیازمند توجه به شاخص‌های عینی است. در این پژوهش، کارآمدی ترجمه‌ها بر پایۀ سه معیار اصلی سنجیده شده است: میزان انتقال معنا، حفظ زیبایی‌شناسی و تصویر بلاغی و توانایی درک برای مخاطب فارسی‌زبان. تحلیل نمونه‌ها نشان می‌دهد که ترجمه‌هایی که در هر سه شاخص امتیاز بالاتری به دست آورده‌اند، توانسته‌اند هم معنا و هم اثر ادبی تعبیرهای متن مبدأ را بازتولید کنند. ولی برابریابی را در ۳ شکل اصلی زیر می‌توان دسته‌بندی کرد که بسته به موقعیت جمله، مترجم آن را برابریابی می کند:

۱. بکاربردن یک تعبیر با همان معنا و ساختار؛
۲. بکاربردن یک تعبیر با همان معنا ولی نه با ساختار یکسان؛
۳. بکاربردن تعبیر غیر اصطلاحی.
۴. و تنها راهبرد «بکاربردن همان تعبیر با ساخت و شکل یکنواخت» از این روی که ترجمۀ واژه به واژه است پیشنهاد نمی‌شود.

منابع

۱) بیکر، مونا. (۱۳۹۳). **به عبارت دیگر**. ترجمهٔ علی بهرامی. ویراست دوم. تهران: رهنما.

۲) الحکیم، توفیق. (۱۹۹۵م). **المؤلفات الکاملة**. ایزیس. المجلد الثانی. القاهره: مکتبهٔ لبنان ناشرون.

۳) سوزنی، صمد (حمد) میرزا. (۱۳۸۹). **ترجمه متون ساده**. چاپ دوم. بی‌جا: سازمان سمت.

۴) لارسون، ل ملدرید. (۲۰۰۸م). **الترجمهٔ القائمهٔ علی المعنی، دلیل التکافؤ عبر اللغات.** ترجمهٔ: حازم مالک الربیعی. الجزء الأول و الثانی. العراق: بیت الحکمهٔ. باب المعظم.

۵) کمالی، محمد جمال. (۱۳۸۷). **اصول فن ترجمه (فرانسه به فارسی)**. چاپ نخست.تهران: انتشارات سمت.

۶) لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). **درآمدی به روش و اصول ترجمه**. تهران: نشر دانشگاهی.

۷) محفوظ، نجیب. (۱۹۹۱م). **بیت سی ء السمعهٔ. المؤلفات الکاملة**. المجلد الثالث. القاهرهٔ: مکتبهٔ لبنان ناشرون .

۸) محفوظ، نجیب. (۱۹۹۴م). **الحب فوق هضبهٔ الهرم**. المجلد الخامس. القاهرهٔ: مکتبهٔ لبنان ناشرون.

۹) محفوظ، نجیب. (۱۹۷۴م). **تحت المظلهٔ**. القاهرهٔ: دار مصر للطباعهٔ.

۱۰) نیازی، شهریار؛ قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۸). **تحلیل زبانشناختی متون عربی با تکیه بر دستور نقش گرای هلیدی**. چاپ اول. دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

۱) Even-Zohar, Itamar. (۱۹۹۰).**Polysystem Studies**. Poetics Today, ۱۱(۱), ۱–۹٤.

۲) House,J(۲۰۰۱).Translation on Quality assessment.Linguistic Description versus social Evaluation translator’s journal, t٦,۲٤۳-۲٥۷.

۳) Larson, Mildred L. (۱۹۸٤). **Meaning-Based Translation: A Guide to Cross-Language Equivalence**. Lanham: University Press of America.

٤) Munday, Jeremy. (۲۰۱٦). **Introducing Translation Studies: Theories and Applications** (٤th ed.).London & New York: Routledge.

٥) Tajalli, ghaffar, (۱۹۹۷), idioms and metaphorical expressions in translation, the center for studying and compiling university books in humanities (SAMT)

٦) venuti, L. (۱۹۹٥). The Translator’s invisibility: a History of translation. London and new York: Routledge.

مقالات

١) ابراهیمی، مریم. (١٣٩١). «ترجمهٔ التعابیر الاصلاحیهٔ العربیهٔ المعاصرهٔ و الکشف عما یعادلها فی الفارسیهٔ فی الکتاب، معجم التعبیر الاصطلاحی فی العربیهٔ المعاصرهٔ (حرف الالف)». *رسالهٔ مقدمهٔ لنیل درجه الماجستیر فی فرع اللغهٔ العربیهٔ و آدابها*. جامعهٔ اصفهان، کلیهٔ اللغات.

٢) زرکوب، منصوره؛ عبداللهی، زهرا. (١٣٨٩). «تمثیل در امثال فارسی و عربی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، سال دوم، شماره ٣، صص ١–١٨.

٣) زرکوب، منصوره؛ امینی، فرهاد (١٣٩٣). «تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)». *مطالعات زبان و ترجمه*، سال ٥، شماره ٢، صص ٤٥–٤٦.

٤) صلح جو، علی. (١٣٨٤). «گفت و گو با دکتر علی خزاعی‌فر درباره ترجمه ادبی». *فصلنامه مترجم*. سال ١٤، شماره ٤٠، صص: ١١٧-٨٣.

٥) عاصی، موسی. (٢٠٠٩م). «صعوبات ترجمهٔ الروایهٔ الانکلیزیهٔ إلی العربیهٔ». *مجلهٔ الآداب الأجنبیهٔ*. العدد ١٣٥، صص: ٢٢٠-٢٣٦.

٦) گرجیان، بهمن؛ نیسی، هدی. (١٣٩٠). «ترجمه تطبیقی ضرب‌المثل‌های انگلیسی به فارسی از لحاظ زبان شناسی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. سال ٥، شماره ١٩، صص: ١٣١-١١٥.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد ١٤، صيف ١٤٠٣

صص: ٥٢ - ٣٥

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٦,٥٦٦٠٤٥,١٠٨٧

فرشته افضلی [١]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٩,٢٢، تاريخ القبول: ١٤٠٤,١٠,١٤)

الملخص

الكلمات المفتاحيّة:

١.